

چگونه پول یک کشور به ارزهای خارجی تبدیل می شود؟



رویدادهای اقتصادی سالهای اخیر، بویژه در زمینه ارز و نرخ تبدیل پول کشورمان در مقابل ارزهای خارجی آثار مهم و عمیقی بر اقتصاد ملی داشته است. در کنار سایر مسائل مربوط به ارز غالباً این سوالات از سوی افراد گوناگون و بویژه آنانی که در زمینه اقتصاد ذیعلاقه باشند، مطرح است: چرا پول ما، مشابه ارزهای مهم خارجی، دارای بازار مبادله نیست؟ علت کنترل نرخ برابری ریال در مقابل ارزهای خارجی چیست؟ شناور شدن پول ایران یعنی چه؟ چگونه می توان نرخ برابری پول بازارهای خارجی را شناور کرد؟ مقالهای که ترجمه آن از نظراتان می گذرد، با اشاره به تحولات اخیر در اروپای شرقی و اقدامات مربوط به بازسازی اقتصادی در کشورهای بلوک شرق به بسیاری از سوالات مربوطه در این زمینه پاسخ می دهد.

همزمان با آشکار شدن سریع رویدادهای اروپای شرقی و به عنوان بخشی از فرآیند ادغام اقتصاد این کشورها در بازار اقتصاد جهانی، نیاز شدیدی به تبدیل پذیری پول این کشورها، آزاد سازی معاملات پولی و تسعیر پول ملی آنها به ارزهای خارجی و استفاده نامحدود از آنها جهت واریز تعهدات ناشی از معاملات بین المللی احساس می شود. نقاط قوت و محاسن مورد انتظار از تسعیر پذیری پول یک کشور مورد پذیرش عموم صاحب نظران است. از جمله اینکه هرگاه این وضعیت با آزاد سازی تجارت خارجی و ارتقاء کارآئی از طریق حذف اختلالات ایجاد شده و سیستم همراه شود، در آنصورت آزادی بیشتری در انتخاب کالا و خدمات خارجی و داخلی پدید خواهد آمد.

موضوعی که کاملاً روشن نیست، اینست که آیا کشورهایی که در گذشته دارای اقتصادهای بسیار حمایت شده بوده اند، نیز به اندازه سایر کشورها آماده پذیرش هزینههایی که ذاتاً در اقدام مربوط به قابل تسعیر کردن پول نهفته است، می باشند یا خیر. این موضوع موجب بروز عقاید گوناگون و نقطه نظرهای مخالف در مورد سرعت و چگونگی انجام این اقدامات شده است. پارامای از کشورها حرکت تدریجی را مناسب می بینند، در حالیکه سایرین مانند یوگسلاوی و لهستان از اوایل سال ۱۹۹۰ ابتکارات تهورآمیزی را آغاز کرده اند.

برای درک این موضوع که حرکت در جهت تسعیر پذیری پول یک کشور مستلزم انجام چه اقداماتی بوده و به چه دلیل پارامای از کشورها روشهای سریعتر را بر می گزینند، بهتر دیدیم که ابتدا مفهوم «تسعیر پذیری» را تشریح کنیم. در ادامه این نوشته توضیح مختصری در مورد سوابق امروز نقش صندوق بین المللی پول (IMF) ارائه شده و سپس به جزئیات مربوط به پیش نیازهای استقرار شرایط مورد نظر و چگونگی حفظ آن پرداخته خواهد شد.

در انتها نیز به نمونههایی از مشاهدات اخیر در کشورهای اروپای شرقی اشاره می شود، به ویژه از مواردی استفاده خواهد شد که در نشان دادن مشکلات سیاستگذاران و تصمیم گیران کشورهای دیگر در جهت تحقق این خواسته مفید باشد. مهمترین نکته ای که در این بررسی آشکار خواهد شد، اینست که هرگاه دولتها واقعاً از بازگشت به شرایط گذشته و اعمال محدودیت و کنترل بر معاملات ارزی پرهیز داشته و دوری می جویند، در آنصورت ضرورت خواهد داشت که سیاستهای صحیح اقتصادی را نیز بویژه در سطح کلان بطور همزمان تعقیب کنند.

مفهوم «تسعیر پذیری» (۱)

تسعیر پذیری، که در تعریف مرسوم آن به مفهوم قابلیت تبدیل نامحدود پول کاغذی یک کشور به طلا یا نرخ از پیش تعیین شده می باشد، مدتها نقش محوری را در روابط اقتصاد بین الملل ایفا می کرد. تا سال ۱۹۱۴ بریتانیا قابلیت تبدیل کامل لیره استرلینگ به طلا با یک نرخ ثابت را حفظ کرده بود. لیکن در سال ۱۹۲۵ و یکبار هم سال ۱۹۴۷ کوششهایش در جهت بازیافت این شرایط نه تنها در مقابل طلا بلکه برای تبدیل پذیری لیره به دلار آمریکا نیز با شکست مواجه شد. از دلایل عمده این عدم توفیق نرخ بسیار بالای تورم و فقدان سیاستهای حمایتی مناسب را می توان نام برد.

برای کشورهای عمده اروپای غربی، پس از فروپاشی نظام مالی جهانی در بین دو جنگ بین الملل و تغییر شکل سیستم پولی از تبدیل پذیری پولها به طلا، به سیستم اصلاح شده قابلیت تبدیل پولها به طلا و دلار، دستیابی مجدد به شرایط تسعیر پذیری پولها تا سال ۱۹۵۸ بطول انجامید، هر چند که نظم مالی جهانی که به اقتضای تسعیر پذیری پولها با نرخهای از پیش تعیین شده ایجاد شده بود، نیز در عمل با عدم موافقت کشورهای عمده صنعتی روبرو شد. در سال ۱۹۷۳ نرخهای برابری پولها که همزمان با ایجاد IMF در سال ۱۹۴۴ در محلی بنام «برتون وودز» (۲) مورد توافق کشورهای قرار گرفته بود، کلاً از هم پاشید و جهان به دوران نرخهای شناور (۳) قدم گذاشت.

در تئوری، از آنجائیکه در این نظام (نرخهای شناور ارز) نیازی به اعمال محدودیتهای خاص جهت حمایت از نرخ تسعیر خاصی وجود نداشت،

بیشتر کشورها باید به سوی استقرار شرایط تسعیرپذیری کامل پولهایشان حرکت می‌کردند. در عمل گروه بزرگی از دولتها تمایلی به آزادی کامل شیوه نوسان نرخ برابری پولهایشان نشان ندادند، و لذا نرخهای تبدیل ثابت و یا حداقل سیاست و هدف گذاری برای نرخ برابری مورد نظرشان را تعقیب کردند. پاره دیگری از کشورها با برقراری مجدد محدودیت‌های تجاری و پرداختهای ارزی به جای بکارگیری سیاستهای پولی و مالی صحیح در جهت حمایت از پول ملی، متقابلاً میزان تسعیرپذیری پولشان را محدود کردند. نتیجه اینکه حتی در شرایطی که کنترل‌های شدید دولتی بر تبدیل و تسعیر پولها اعمال می‌شد، بازار موازی و غالباً غیرقانونی دیگری که بهر صورت در آن پول کشور با پول‌های خارجی مبادله می‌گردید، بوجود آمد. در اصول، تسعیرپذیری پول، مفهوم ساده‌ای به نظر می‌رسد. این واژه به شرایطی اطلاق می‌شود که افراد مستقیم یا غیرمستقیم در یک کشور، قادر باشند بدون محدودیت، پول داخلی آن کشور را به پولهای خارجی تبدیل کنند. درجات مختلفی از قابلیت تسعیرپذیری پول در کشورهای گوناگون بچشم می‌خورد که هر یک نشان دهنده محدودیتهایی است که دولتها بر معاملات پولی خود- به صوری از قبیل ممنوعیت‌های قانونی، انواع مالیات، ضرورت سپرده یا پیمان گذاری، تعیین سقف (مثلاً برای ارز قابل فروش به مسافران) و یا تشریفات مربوط به تخصیص ارز- اعمال کرده‌اند.

حتی در کشورهایی که پول رایج آنها کاملاً قابل تبدیل به ارز خارجی می‌باشد، حدود تحقق این امر در عمل نه تنها به محدودیتهای اعمال شده از طرف دولت برای معاملات ارزی، بلکه به هر نوع محدودیتی که برای معاملات خارجی از قبیل واردات کالا و خدمات و یا سرمایه‌گذاری در خارج وضع شده باشد، بستگی دارد. تنها آزادسازی یکی از این محدودیتهای، بدون توجه به دیگر آنها، از طریق کاهش زمینهای استفاده از پول - معاملات مختلف، در عمل قابلیت استفاده از پول کشور را محدود می‌سازد. از اینرو قابلیت تسعیر پول، در مفهوم مالی آن، باید به همراه آزادسازی تجارت و سیر معاملات بین‌المللی مد نظر قرار گیرد.

و این بدان معناست که منافع مورد انتظار از مفهوم «تسعیرپذیری» پول یک کشور تنها در صورت تحقق همزمان تسعیرپذیری «مالی» و «کالائی» برای پول آن کشور حاصل می‌شود. صندوق بین‌المللی پول که یکی از اهداف شکل‌گیری آن برقراری یک سیستم چند جانبه- و به دور از تبعیض برای پرداختها و نقل و انتقال مالی در معاملات جاری بین‌المللی و هم چنین حذف محدودیتهای ارزی- بوده است، به مقوله شناور سازی نرخهای برابری ارز از طریق درج آن در اصلاحیه دوم موافقتنامه عضویت در صندوق

○ منافع مورد انتظار از تسعیرپذیری پول یک کشور تنها در صورت تحقق همزمان تسعیرپذیری مالی و کالائی برای پول آن کشور حاصل می‌شود.

● مفهوم بنیادین تسعیرپذیری این است که کشورهای عضو صندوق بین‌المللی پول باید به افراد مقیم در کشور حق نامحدود و به‌دور از تبعیض استفاده از پول رایج را جهت پرداخت و انتقال وجه به منظور انجام معاملات جاری بین‌المللی اعطا کنند.

در سال ۱۹۷۸ پرداخته است. این اصلاحیه چنین تصریح می‌کند: «از این پس از نظر اصولی هیچ مانعی بر سر راه اتخاذ سیاست تسعیرپذیری کامل پول کشورهای عضو وجود نخواهد داشت.» مفهوم بنیادین تسعیرپذیری که مورد حمایت قرار دارد به این گونه است که کشورهای عضو باید به افراد مقیم در کشور حق نامحدود و به دور از تبعیض استفاده از پول رایج را جهت پرداخت و انتقال وجه بمنظور انجام معاملات جاری بین‌المللی اعطاء کنند. البته شایان توجه است که مفهوم

مورد نظر صندوق از تسعیرپذیری پول کشورهای عضو، مطابق تعریف ارائه شده و در ماده هشت موافقتنامه عضویت در صندوق، عملاً به شرایط اقتصادی حاکم بر کشورهای عضو ارتباط داده شده و لذا این امر یک برداشت محدود از این مفهوم به نظر می‌رسد. کشورهای عضو موظف به برقراری شرایط «تسعیرپذیری مالی»^(۴) (یعنی حذف هر گونه محدودیت پرداختها) شده‌اند، بدون آنکه الزامی به پذیرفتن شرایط تسعیرپذیری کالائی^(۵) وجود داشته باشد. مضافاً اینکه نظر صندوق تنها در برگیرنده پرداختهای جاری و آنهم غالباً به سایر کشورهای عضو می‌باشد و پرداختهای سرمایه‌های تنها به موارد معدودی از قبیل استهلاک وام‌ها و سرمایه‌گذاریهای مستقیم محدود شده است. در این زمینه‌ها نیز نظر صندوق تولیدی به کشورهای عضو معطوف است. قابل ذکر است که اعضاء مجاز هستند که در مواردی از اهداف مورد نظر صندوق در زمینه قابلیت تسعیر پول تخطی نمایند، هر چند که انتظار آن است که به محض مناسب شدن شرایط محدودیتهای وضع شده سریعاً برطرف شود.

پیش‌نیازهای دستیابی به شرایط تسعیرپذیری پول

در طول سالهای اخیر بسیاری از کشورها بر این امر واقف شده‌اند که اهداف دوگانه «ثبات نسبی نرخ برابری پول» و «تسعیرپذیری» در شرایط تورمی و یا در مواردی که از طریق اعمال سیاستهای کنترل قیمت یا سهمیه‌بندی در توزیع

کالا تورم منکوب می‌شود، توأماً قابل تحقق نیستند. به بیان دقیق‌تر این گونه می‌توان گفت که صرفنظر از تغییرات تکنولوژیکی، آب و هوایی، سازمانی و شرایط تجاری، هرگاه سطح قیمتها در یک کشور با سرعت بیشتری نسبت به شرکای تجاری آن افزایش یابد کشور مزبور جز از طریق اعمال محدودیتهای موردی در واردات و صادرات و پرداختهای ارزی و یا پذیرا شدن کاهش ارزش^(۶) پول ملی خود، قادر به دستیابی به موازنه پرداختهای ارزی نخواهد بود. ملاحظه می‌شود که این گونه اقدامات نیز خود در عمل به معنای صرفنظر کردن از تسعیرپذیری پول و یا رها کردن نرخ برابری تثبیت شده اسمی است. از زمان تصویب اصلاحیه دوم در موافقتنامه عضویت در صندوق حفظ قابلیت تسعیر پول به همراه آزادسازی هر چه بیشتر معاملات خارجی نسبت به اهداف دیگر مرجع دانسته شده‌اند. هدف دستیابی به نرخهای ثابت برابری پول در مقابل ارزهای خارجی باید از طریق تعقیب سیاستهای مناسب و منسجم اقتصادی در سطح کلان محقق شود.

در مسیر حرکت به سوی قابل تسعیر کردن پول یک کشور، در عین اینکه وسعت عدم تعادلهای اقتصادی و همچنین میزان اختلالات ایجاد شده در نظام هزینه‌های تولید و قیمت‌های فروش مدنظر است به منظور اجتناب از نوسانهای شدید در نرخ برابری پول، شرایط اولیه خاصی باید تحقق یابد که ذیلآ به تشریح آنها می‌پردازیم:

۱- نرخ برابری پول ملی با ارزهای خارجی باید با واقع بینی انتخاب شود: در استقرار هر نوع ترتیبات مربوط به تسعیر پول ضروریست نرخ تبدیل واقعی برای پول ملی در مقابل سیر ارزها که با سیاست حفظ تعادل تراز پرداختها در میان مدت نیز سازگار باشد، انتخاب شود.

به عبارت دیگر، قیمت‌های نسبی باید تقریباً در وضعیت متعادل قرار گیرد. این اقدام مستلزم ترک نرخهای برابری رسمی که بطور غیر واقعی بالا می‌باشند و نرخهای برابری بسیار تضعیف شده در بازارهای غیر رسمی و جانب ارز به سوی نرخ یکسان تعادلی بازار - می‌باشد. برای تحقق چنین هدفی حداقل در شروع ضرورت خواهد داشت که نرخ ارز با استفاده از روشهایی مانند

حراج و یا مزایده در بازاری که بخش اعظم معاملات خارجی از جمله معاملات دستگاههای رسمی از طریق آن صورت می‌گیرد (مانند بانک مرکزی) شناور شود.

هدف از این اقدامات به حداقل رساندن تفاوت بین نرخ شناور و نرخهای بازار غیر رسمی و در نهایت حذف کامل هرگونه تفاوت نرخ می‌باشد. حفظ نرخ واقع بینانه برابری پول ملی با ارزهای خارجی (نرخ) که از نقطه نظر انتظارات بازار نیز معتبر باشد) برای تداوم شرایط تسعیر پذیری پول ضرورت تام دارد.

۲- سیاستهای اقتصادی کلان مناسب باید انتخاب و به اجرا گذاشته شود:

همزمان با اقدامات بالا در شرایط شناوری نرخها و یا نرخهای برابری تثبیت شده، حفظ نرخ واقعی برابری پول کشور با ارزهای دیگر بدون بازگشت به محدودیتهای قبلی تنها با اتخاذ سیاستهای اقتصادی و مناسب اعم از سیاستهای مالی یا پولی امکان پذیر می‌باشد.

این سیاستها می‌باید به نحوی اتخاذ شود که تقاضای کل جامعه در سطحی مناسب با توان تولیدی و ظرفیت بازپرداخت وام توسط کشور حفظ شود. از سوی دیگر ثبات اوضاع مالی داخلی کشور به شکل نرخهای نسبتاً پایین تورم از عوامل ضروری در توفیق اقدامات دولت در زمینه قابل تسعیر کردن پول کشور به حساب می‌آید.

در شرایطی که از طریق تعقیب سیاستهای تثبیت غیر واقعی قیمتتها نوعی تورم منکوب شده و در نتیجه مازاد نقدینگی در جامعه وجود داشته باشد، بخش عمده بار اصلاحات به دوش سیاستهای پولی خواهد بود. لذا نقدینگی مازاد باید مستقیماً با اتخاذ روشهایی مانند فروش وسیع دارائی‌های فیزیکی دولت (ساختمانها و فعالیتهای تولیدی و بازرگانی) و یا دارائی‌های مالی (سهام و مانند آن) جذب شود.

۳- کنترل قیمت‌ها باید متوقف شود:

در کشورهایی که سیاستهای کنترل قیمت‌ها موجب اختلال در فرایند تخصیص منابع شده باشد، استفاده از نرخ تعادلی برای ارزها زمینه را برای نرخهای تعادلی بازار برای کالاهای غیر قابل مبادله در بازار خارج، نیز آماده می‌سازد. هرچه ساختار قیمت‌های داخلی بیشتر مختل شده باشد و هرچه میزان این اختلال عمیق‌تر باشد، در آنصورت هزینه‌های دوران انتقال مربوط به این اصلاحات سنگین‌تر خواهد بود و برعکس منافع بیشتری نیز از حذف اینگونه اختلالات عاید جامعه می‌شود. توجه به این موضوع زمینه ساز بحث بسیار گرمی است که در مورد سرعت انجام اصلاحات (تدریجی یا یکباره؟) و هم چنین ضرورت استقرار یک نظام حمایتی بمنظور جذب آثار نامطلوب این اصلاحات بر طبقات فقیر جامعه (در کشورهایی که دست به اصلاحات زده‌اند) در جریان است.

○ جهان در سال ۱۹۷۳ به دوران نرخهای شناور قدم گذاشت.

● قابلیت تسعیر پول در مفهوم مالی آن باید به همراه آزادسازی تجارت و سیر معاملات بین‌المللی مدنظر قرار گیرد.



ع- اندوخته کافی ارز خارجی مورد نیاز است:

به منظور حفظ و حمایت از اعتبار بازار ارز در مراحل اولیه انجام اصلاحات ممکن است میزان قابل ملاحظه‌ای اندوخته ارزی و یا اعتبار ارزی مورد نیاز باشد.

البته این در صورتی است که همزمان با قابل تسعیر کردن پول کشور (و شناوری نرخ برابری) حفظ نرخ برابری نیز در یک حد قابل قبول مد نظر نباشد. هم چنین

در مقابل فشارهای خارجی که متعاقباً بروز خواهند کرد، حمایت از تراز پرداختها نیز ضرورت می‌یابد. برای اعضاء ممکن است ترتیباتی داده شود تا از اندوخته‌های صندوق به این منظور بهره‌برداری کنند.

با حذف یا کاهش موانع فوق‌الذکر مقامات کشور باید بتوانند از طریق برداشتن محدودیتهای گوناگونی که بر نقل و انتقالات و معاملات ارزی اعمال شده (مانند پرداخت سوبسید برای صادرات و سپردن سپرده یا ضمانت برای واردات و امثال آن) پول کشور را به وضعیت مورد نظر یعنی تسعیرپذیری برسانند. مضافاً اینکه سیاست آزادسازی در مورد معاملات خارجی (اعم از کالا یا خدمات) نیز باید تعقیب شود. به منظور حذف کلیه محدودیتهای باقیمانده از گذشته، مطلوبتر است که با تهیه لیستی از محدودیتهای مورد نظر دولت صریحاً اعلام شود که هر چه در لیست مزبور ذکر نشده، آزاد می‌باشد.

کشورهای طرف معاملات نیز در صورتیکه تاکنون اقدامات مشابهی را شروع نکرده‌اند، باید

به کوششهای به عمل آمده در این راستا، با باز کردن سیستمهای تجاری و پرداختهای خود پاسخ دهند. در نهایت امر، کارآیی و محاسن مورد انتظار از تسعیرپذیری پول تنها در صورتی به واقعیت خواهد رسید که درهای اقتصاد یک کشور به روی تجارت بین‌المللی کالا و خدمات و همچنین بازارهای سرمایه گشوده شود. باید در نظر

که در کشورهای با اقتصاد بسیار حمایت‌شده، اینگونه اقدامات هزینه‌های اجتماعی سنگینی را- بدلیل تغییر ساختار بخشهای اقتصاد و همچنین جابجائی فعالیت شرکتها- بدنبال خواهد داشت، چرا که کارگزاران اقتصادی با در اختیار داشتن آزادی بیشتر و به دور از مداخله، بطور اجتناب‌ناپذیری تصمیم‌گیری‌های خود را در زمینه‌های پسانداز و مصرف تغییر خواهند داد. هراندازه که کشور بطور غیرطبیعی از اقتصاد جهانی مفتزغ شده باشد، حداقل در کوتاهمدت، هزینه‌های فوق‌الذکر برای آن سنگین‌تر خواهد بود.

تحوالات اروپای شرقی

با توجه به تعداد قابل توجه کشورهایی که برای پول ملی خود، نرخ برابری بیش از واقع تعیین کرده‌اند، قیمتتها را تحت کنترل و اداره دولت قرار داده‌اند، در تخصیص منابع ایجاد اختلال کرده‌اند و یا محدودیتهای وسیعی بر سیستم تجارت و پرداختهای خارجی خود وضع کرده‌اند، به سختی می‌توان عنوان کرد که وجود شرایط تسعیرناپذیری پول تنها به کشورهای اروپای شرقی یا حتی کشورهای دارای اقتصاد برنامهریزی شده مرکزی یا سوسیالیستی محدود می‌شود.

در حالیکه شش کشور اروپای شرقی چه آنها که در حال حاضر عضو صندوق هستند (مجارستان، لهستان، رومانی، یوگسلاوی) و یا آنها که در سال ۱۹۹۰ در خواست

عضویت کرده‌اند مثل بلغارستان، چکوسلواکی، همگی از اواخر سال ۱۹۸۹ در مورد کشورهای عضو و غیرعضو صندوق موافقتنامه‌های دوجانبه‌ای در مورد پرداختها ترتیب داده‌اند، سی و نه کشور دیگر عضو نیز وجود دارند که ترتیبات مشابهی را در بین خود بوجود آورده‌اند.

بنابر این، در اصل، مشکل «قابل تسعیر شدن پول» در مورد کشورهای اروپای شرقی با کشورهای دیگر عضو صندوق مشابه بوده و لذا پیش‌شرطهای اساسی در مورد انجام اصلاحات تا تبدیل شدن پول آنها به یک «پول قابل تسعیر» همان پیش‌شرطهایی است که تشریح شد.

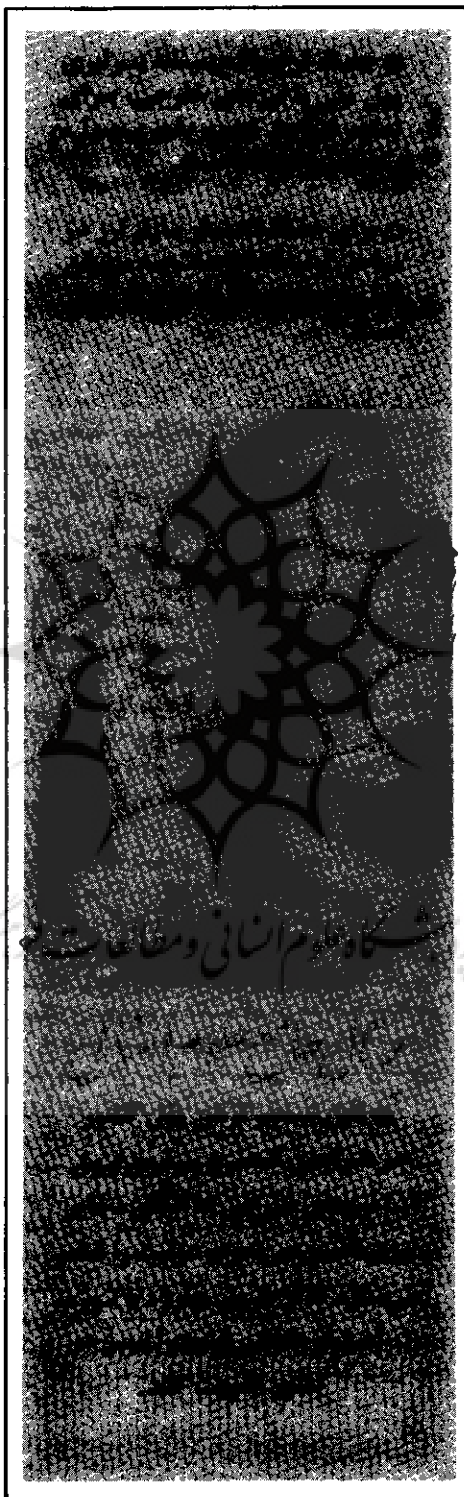
در واقع این پیش‌شرطها همسسته اصلی سیاستهای صندوق را در توصیه‌هایش به اعضاء در چهار چوب مشاورتهای سالانه و یا برنامه‌های اصلاحی که با حمایت صندوق اجرا میشود، تشکیل می‌دهد.

البته جزئیات مربوط به هر کشور باید با توجه به وضعیت موجود پول آن از نظر قابلیت تسعیر، وضعیت توسعه اقتصادی، مسائل ساختاری و شرایط بازار، عوامل اطمینان‌دهنده (از قبیل اعتقاد عمومی به توانایی دولت در تعقیب سیاستهای ضروری) و حدود پیشرفت سیاستهای اقتصادی اتخاذ شده در قبل، مورد بررسی قرار گیرد.

برای کشورهایی که قصد دارند از مشارکت در اقتصاد جهانی منتفع شوند، داشتن پول غیر قابل تسعیر دیگر نمی‌تواند یک انتخاب باشد. وجود امکانات مسدود کردن ارباطی، سهولت مسافرت، پیچیدگی و وسعت بازار بین‌المللی سرمایه، و اهمیت مبادلات تجاری برای حتی کشورهای که در گذشته دارای سیستمهای دیکتاتوری بودند، همگی به این معناست که ایزوله کردن کشور از نظام بازار نفع چندانی برای اقتصاد به دنبال نخواهد داشت، با این تأکید که هر گونه کوشش در جهت جدا کردن و قطع رابطه اقتصاد کشور نیز به دلیل ضرورت یافتن اعمال محدودیتهای بسیار شدید، هزینههای سنگین را به دنبال خواهد داشت. به علاوه اینکه استقرار سیستم تسعیر پذیری ناقص نیز قابلیت اجرا نخواهد یافت، زیرا به هر تقدیر با گریز از محدودیتهای قانونی و غیره بازار آزاد جانبی برای ارز، مجدداً ظهور خواهد کرد. از اینرو تعجب ندارد که می‌بینیم هر روز تعداد بیشتری از کشورها در قالب برنامه‌های حمایت‌شده از طرف صندوق، محدودیتهای ملنی کرده و با اتخاذ سیاستهای مناسب اقتصادی نرخهای برابری ارزی مبتنی بر مکانیزم بازار را جاری می‌سازند.

زمانیکه درخواستهای مربوط به قابل تسعیر کردن پول کشورهای اروپای شرقی را مورد رسیدگی قرار می‌دهیم، باید بخاطر داشته باشیم که این گروه از کشورها از نقطه نظر میزان تمرکز در برنامه‌ریزی اقتصادی، حدود استفاده از مکانیزم قیمت‌ها و هم‌چنین خصوصی سازی فعالیتها، در شرایط آغازین گوناگونی می‌باشند. مضافاً اینکه رویدادهای اخیر در این کشورها بردور نگریهایی که اقدامات تدریجی اصلاحی را تجویز می‌کند نیز پیشی گرفته است. با اعلام کشورهای مجارستان، اتحاد جماهیر شوروی و یوگسلاوی، یکی بعد از دیگری، مبنی بر اینکه قصد دارند در سال ۱۹۹۱ به سوی تسعیر پذیری پول خود حرکت کنند، احتمال برقراری روابط اقتصادی در چهارچوب شوراها یا همکاریهای مستقابل اقتصادی و ترتیبات منطقی دیگر بسیار کاهش یافته است. در این بین حتی کشورهای نظیر یوگسلاوی و لهستان بازار خارجی را فعال کرده و سایر کشورهای اروپای شرقی نیز نرخهای برابری پول خود را به سطح نرخهای تعادلی بازار نزدیکتر ساختند. علاوه بر اینها، اقدامات اساسی دیگری نیز در این کشورها صورت پذیرفته است. از جمله اینکه در مجارستان شرکتها مجاز شده‌اند که روبرای مازاد خود را

به یکدیگر بفروش رسانند، چک‌واسلواکی و شوروی حراج ارز را آغاز کرده‌اند و در مجارستان، لهستان و یوگسلاوی افتتاح حسابهای سپرده ارزی قانونی و آزاد شده و در حال حاضر بخش مهمی از نقدینگی کل آنها را تشکیل



می‌دهد.

رویدادهایی که از ابتدای سال ۱۹۹۰ در کشورهای لهستان و یوگسلاوی بصورت تجربیاتی متهورانه بوقوع پیوسته‌اند، می‌توانند نمونه‌های خوبی را برای سایر کشورهای اروپای شرقی و نقاط دیگر جهان به دست دهند. این کشورها در اولین قدم، تسعیر پول برای افراد مقیم را با نرخ ثابت مجاز اعلام کردند، به این معنی که مردم بتوانند با آزادی کامل پول ملی را با نرخهای اعلام شده به ارز تبدیل کرده و جهت انجام پرداختهای خود

در فعالیتهای جاری مصرف کنند. در عین حال حدود تناسب نرخ تبدیل نیز توسط دولت تحت مراقبت و رسیدگی قرار دارد.

در حال حاضر این مجوز هنوز به افراد غیر مقیم داده نشده است. در هر دو کشور یاد شده پیش شرطهای مورد نیاز از جمله انتخاب نرخ تسعیر مناسب و بکارگیری سیاستهای صحیح حمایتی تحقق یافته‌اند. در طول زمان با کمک اصلاحات قانونی و خصوصی سازی فعالیتها ساختار قیمت‌ها و الگوی تخصیص منابع به حالت تعادلی نزدیک خواهد شد، ولی در هر صورت برای مقابله با هزینههای سنگین احتمالی در دوران انتقال، اندوخته لازم نیز مورد نیاز می‌باشد. البته گزینه دیگری که برای تحقق این خواسته وجود دارد، یعنی انجام کلیه اصلاحات ساختاری در اقتصاد و سپس گشودن درها به دنیای خارج نیز هزینههای خاص خود را به دنبال خواهد داشت.

در کشورهای اروپای شرقی که وجود انحصارات بزرگ در بخشهای اقتصادی آنها از خصوصیات بارز محسوب می‌شود، استقرار ناگهانی قابلیت تسعیر پول نقش بسیار مهمی را در اجرای اصلاحات اقتصادی ایفا خواهد کرد. تحقق این هدف رقابت از سوی کشورهای خارجی را عملی کرده و لذا به میزان قابل توجهی خلاء ناشی از فقدان یک بازار رقابتی داخلی را جبران می‌کند. این اقدامات هم چنین با ارسال پیام برای جامعه بین‌المللی مبنی بر اینکه کشور مورد نظر جداً خود را به آزاد سازی تجارت و انجام اصلاحات اقتصادی مستعد می‌داند، ورود سرمایه‌های خصوصی خارجی را تسهیل کرده و لذا تدوین مقررات اداری و ایجاد تشکیلات دست و پاگیر را بی‌مورد می‌سازد.

کلام آخر اینکه قابل تسعیر کردن پول کشور در شرایطی که نرخ برابری پول با ارزهای خارجی به اتکای ذخائر ارزی تعیین می‌شود، دولت را قادر می‌سازد تا از طریق مبارزه با تورم، اعتبار داخلی خود را نیز در کشور تقویت کند. پانوشته‌ها:

- 1- CONVERTIBILITY
- 2 - BERTON - WOODS
- 3 - FLOATING RATES
- 4 - FINANCIAL CONVERTIBILITY
- 5- COMMODITY CONVERTIBILITY
- 6 - CURRENCY DEVALUATION